

تقدیمار حانہ در شعر معاصر

شیر علوی



انتشارات شلاک

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه	:	علوی، بشیر، ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآور	:	نقد چهارجانبه در شعر معاصر / بشیر علوی.
مشخصات نشر	:	تهران: شلاک، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۳۱۲ ص.
شابک	:	۱۷۰۰۰۰ ریال: 7- 001- 257- 600- 978
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۳۰۵.
موضوع	:	آشنی، منوچهر، ۱۳۲۱ - ۱۳۸۴ - - نقد و تفسیر
موضوع	:	شعر فارسی - - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	:	PIR ۷۹۲۹/ت ۵۶ ۸۶ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	:	۱/۶۴۱۴۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۵۸۲۸۲۸



انتشارات شلاک

نام کتاب	✖	نقد چهارجانبه در شعر معاصر
ناشر	✖	انتشارات شلاک
مؤلف	✖	بشیر علوی
طراح جلد	✖	الهام صبری
چاپ اول	✖	۱۳۹۳
شمارگان	✖	۲۰۰۰ جلد
قیمت	✖	۱۷۰۰۰ تومان
شابک	✖	۹۷۸-۶۰۰-۲۵۷-۰۰۱-۷

جمالزاده جنوبی غ دیلمان پ ۱۴ واحد ۱ تلفن ۶۶۵۹۲۳۵۷ و ۹۱۲۲۲۵۱۲۶۸

www. Shelak. ir
pubshelak@yahoo. com

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۵

مقدمه ۱۹

فصل اول: نقد چهارجانبه ۲۱

نقد ادبی ۲۱

تاریخچه نقد ۲۲

نقد چهارجانبه ۲۵

۱: پشتوانه‌ی فرهنگی ۳۰

۲: عمق انسانی ۳۱

۳: خط هنری و فنی ۳۱

۴: گستردگی در اجتماع ۳۲

فصل دوم: نقد عوامل فنی و هنری ----- ۳۵

۱: نقد عوامل فنی و هنری ----- ۳۵

۱-۱: زبان ----- ۳۵

۱-۱-۱: واژگان ----- ۳۶

۱-۱-۲: لغات فارسی، عربی و فرنگی ----- ۴۸

۱-۱-۳: واژگان کهنه و نو ----- ۵۰

۱-۲: ترکیبات ----- ۵۷

۱-۲-۱: ترکیبات نو و ابتکاری در اشعار آتشی ----- ۵۷

۱-۲-۲: ترکیبات کهن (باستان گرایی) ----- ۶۰

۱-۳: مترادفات ----- ۶۲

۱-۳-۱: مترادفات فارسی به فارسی ----- ۶۲

۱-۳-۲: مترادفات فارسی به عربی ----- ۶۳

۱-۳-۳: مترادفات عربی به عربی ----- ۶۴

۱-۴: باستان گرایی نحوی ----- ۶۴

۲- صور خیال ----- ۶۶

۲-۱: عناصر اقلیمی در صور خیال ----- ۷۲

۲-۲: زیبایی بیان در شعر آتشی ----- ۷۹

۲-۲-۱: تشبیه ----- ۷۹

۲-۲-۲: استعاره ----- ۹۵

۲-۲-۳: مجاز ----- ۱۰۷

۲-۲-۴: کنایه ----- ۱۱۳

۳- آهنگ شعر ----- ۱۲۰

- جایگاه آهنگ در اشعار آتشی ----- ۱۲۳
- ۳-۱: موسیقی معنوی در شعر آتشی ----- ۱۳۲
- ۳-۲: موسیقی درونی در اشعار آتشی ----- ۱۳۶
- ۳-۳: موسیقی کناری در اشعار آتشی ----- ۱۳۸
- ۳-۴: موسیقی بیرونی در اشعار آتشی ----- ۱۴۰
- نتیجه‌ی بحث بخش آهنگ ----- ۱۴۳
- ۴- شکل ----- ۱۴۵
- ۴-۱: بیان روایی شعر ----- ۱۴۷
- ۴-۲: شعر کانکریت (تصویری) ----- ۱۴۸
- ۴-۳: شکل و فرم شعری در اشعار آتشی ----- ۱۵۱
- نتیجه‌ی بحث فرم و شکل‌دهی در اشعار آتشی ----- ۱۵۵

فصل سوم: پشتوانه‌ی فرهنگی ----- ۱۵۷

- پشتوانه‌ی فرهنگی شعری ----- ۱۵۷
- ۱-۱: اشاره به تفکرات فلسفی و کلامی و عرفانی در اشعار آتشی ----- ۱۶۵
- ۱-۲: مباحث علمی و اشاره به علوم خاص ----- ۱۶۶
- ۱-۳: داستان‌ها و اسطوره‌های ایرانی و غیرایرانی ----- ۱۶۸
- ۱-۳-۱: اشاره به داستان‌ها و اسطوره‌های ایرانی در اشعار آتشی ----- ۱۷۵
- ۱-۳-۲: اشاره به داستان‌ها و اساطیر غیرایرانی ----- ۱۷۸
- ۱-۴: اشارات تاریخی ----- ۱۸۰
- ۱-۴-۱: رویدادهای بومی و اقلیمی ----- ۱۸۱
- ۱-۴-۲: اشاره به رویدادهای ایران ----- ۱۸۲

- ۱۸۳-۱-۴-۳: اشارات و رویدادهای خارجی -----
- ۱۸۳-۱-۵: اشاره به ادیان و کتابها و مذاهب مقدس -----
- ۱۸۵-۱-۵-۱: اشاره به پیامبران -----
- ۱۸۶-۱-۵-۲: اشاره به کتب مقدس -----
- ۱۸۶-۱-۵-۳: اشاره به رویدادهای مذهبی -----
- ۱۸۹-۱-۶: آگاهی از باورها و آیینهای بومی و محلی -----
- ۱۹۲-۱-۷: تضمین از شاعران دیگر یا اشاره به نام شاعران و نویسندگان -----
- ۱۹۴-۱-۸: اشاره به نام شاعران و نویسندگان -----
- ۱۹۵-۱-۹: ذکر نام شهرها، کشورها و آگاهی از شخصیت‌های ایرانی و غیر ایرانی -----
- ۱۹۷-۱-۹-۱: نام شهرها و مکان‌های ایرانی -----
- ۱۹۸-۱-۹-۲: نام شهرها و مکان‌های غیرایرانی -----
- ۲۰۰-۱-۹-۳: شخصیت‌ها و فره‌مانان علمی و تاریخی ایرانی -----
- ۲۰۰-۱-۹-۴: شخصیت‌ها و فره‌مانان علمی و تاریخی غیرایرانی -----
- ۲۰۲-ابتکاری بودن یا تقلیدی بودن پشتوانه‌ی فرهنگی در اشعار آتشی -----
- ۲۰۴-تحلیل، اماري پشتوانه‌ی فرهنگی در شعر آتشی -----

فصل چهارم: عواطف بشری و انسانی ----- ۲۰۷

- ۲۰۷-عواطف بشری و انسانی -----
- ۲۱۰-الف: عواطف فردی -----
- ۲۱۲-ب: عواطف اجتماعی -----
- ۲۱۲-ج: عواطف انسانی -----
- ۲۱۸-۱: عواطف فردی در اشعار آتشی -----

- ۱-۱: غم غربت آتشی ----- ۲۱۸
- ۱-۲: عشق‌های فردی ----- ۲۱۹
- ۱-۳: غم‌های آتشی ----- ۲۲۰
- ۱-۴: یاد دوران کودکی ----- ۲۲۰
- ۲: عواطف اجتماعی در اشعار آتشی ----- ۲۲۴
- ۲-۱: غم غربت اجتماع ----- ۲۲۴
- ۲-۲: رنج مردم جنوب ----- ۲۲۷
- ۲-۳: اعتراض و شورشگری ----- ۲۳۲
- ۲-۴: یاد بزرگان و سلحشوران ----- ۲۴۱
- ۲-۵: یاس و ناامیدی ----- ۲۴۲
- ۲-۶: دنبال کردن واقعیت در رؤیا و خیال ----- ۲۴۹
- ۲-۷: آزادی خواهی ----- ۲۵۴
- ۲-۸: خفقان اجتماعی ----- ۲۵۹
- ۳: عواطف بشری در شعر آتشی ----- ۲۶۲
- ۳-۱: عشق ----- ۲۶۳
- ۳-۲: مرگ ----- ۲۶۷
- ۳-۳: فرصت و اغتنام آن ----- ۲۷۲
- ۳-۴: نابودی هویت انسانی ----- ۲۷۴
- نتیجه‌ی بحث ----- ۲۷۸
- انواع «من» در شعر منوچهر آتشی ----- ۲۷۹

۲۸۳	گسترش در جامعه
۲۸۷	۱: شمارگان دفترهای شعری آتشی
۲۸۸	۲: حضور در نشریات زمان خود و بعد از خود
۲۸۸	۳: حضور در مقاله‌ها
۲۸۹	۴: حضور در پایان نامه‌ها
۲۹۰	۵: حضور در برگزیده‌ها
۲۹۱	۶: حضور در نوارها و سی دی‌ها و شبکه‌های تلویزیونی
۲۹۲	۷: کتاب‌هایی که درباره‌ی آتشی نوشته شده است
۲۹۲	۸: حضور در کتاب‌های درسی
۲۹۳	۹: حضور در حافظه‌ی جمعی
۲۹۶	نتایج این فصل
۲۹۷	فصل ششم: نتایج بحث نقد چهارجانبه در اشعار منوچهر آتشی
۲۹۷	نمودار نقد چهارجانبه در شعر آتشی
۳۰۳	جایگاه آتشی در شعر معاصر
۳۰۵	منابع و مآخذ

به نام خدا

چون که صد آمد...

بررسی شعر یک شاعر یا شعر یک دوره‌ی خاص تاریخی براساس نموداری که استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در سال ۱۳۴۹ در کلاس درس خود در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران پیشنهاد کرده‌اند و صورت مکتوب آن در کتاب ادوار شعر فارسی (چاپ دوم، صص ۱۳۳-۱۶۱) آمده است نوعی نقد همه‌جانبه‌ی شعر است که آن را می‌توان «نقد چهارجانبه» هم نامید. براساس این نقد، شعر یک شاعر یا یک دوره‌ی خاص (مثلاً شعر دوره‌ی تیموری) از چهار جانب مورد داوری قرار می‌گیرد:

الف) جانب صعودی که به بررسی زیبایی‌های هنری و فنی شعر شاعر یا یک دوره خاص شعری می‌پردازد. ب) جانب عمقی که زمینه‌ی انسانی و بشری عواطف شاعر یا شاعران یک دوره‌ی شعری را بررسی می‌کند. ج) جانب افقی یک، که پشتوانه‌ی فرهنگی شعر یک شاعر یا یک دوره‌ی خاص شعری را مورد بحث قرار می‌دهد. د) جانب افقی دو، که زمینه‌ی گسترده‌ی شعر یک شاعر یا یک دوره‌ی شعری در جامعه را از جوانب مختلف (شعر عوام، شعر خواص، شعر سفارشی، شعر حزبی) بررسی می‌کند. البته همان‌گونه که استاد دکتر شفیعی کدکنی یادآور شده‌اند محاسبات نمودارها کاملاً نسبی است و اجزای آن را مانند اجزای مباحث علم نمی‌توان تحلیل ریاضی کرد.

کوشش آقای بشیر علوی مبتنی بر آن بوده که جوانب چهارگانه این نمودار را بر اشعار زنده یاد منوچهر آتشی تطبیق دهند و در این زمینه توفیق‌های زیادی به دست آورده‌اند. این امیدواری وجود دارد که پژوهشگران دیگر چنین نقدی را بر اشعار شاعران دیگر و یا حتی یک دوره‌ی شعری خاصی تطبیق دهند و علاقه‌مندان نقد ادبی را از رهاوردهای خود بهرمند سازند.

ی. جلالی پندری

یزد- خرداد ۱۳۹۱

پیشگفتار

جامعه‌ی گذشته‌ی ایران با شرایط ویژه‌ی خود، زیباشناسی خاص خود را داشت و سخن بخصوصی را می‌طلبید، اما آن ساختارها و بینش‌های گذشته دگرگون گشته و بینش‌های تازه‌ای را به‌وجود آورده است. بی‌گمان نمی‌توان با معیارهای گذشته، تازه‌های امروز را مورد واکاوی قرار داد؛ همان‌طور که مشخص است، جهت عمومی شعر فارسی به سوی موازینی نو و تازه حرکت می‌کند و برای درک و امتیاز دادن به این جهت، نقد نیز باید پا به پای حرکت عمومی ادبیات، حرکت کند.

همیشه نقد بهترین وسیله برای بیان ارزش‌ها و هنرهای انسان بوده است و هنرهای دست اول هر جامعه‌ای همیشه با ابزار نقد مورد بررسی قرار می‌گرفته است. شعر نیز یکی از این هنرهاست که ابزاری برای نقد اجتماعی محسوب می‌شده است.

ادبیات و نقد رابطه‌ای متقابل و دوسویه با یکدیگر دارند بخصوص ادبیات امروز که به طور مستقیم از جامعه تأثیر پذیرفته و امور اجتماعی و انسانی را در شعر وارد کرده است. آگاهی انسان‌ها از کیفیت اثر خود توسط منتقد از همان آغاز و همواره در طول تاریخ با نوعی ناهمواری و دلزدگی همراه بوده و انسان همیشه با گریز از واقعیت موجود در پی رد نظریاتی بوده که دستاوردهای هنری او را مورد واکاوی قرار می‌دادند. پذیرش این خصیصه، بستگی به موجودیت انسان دارد واز آن جهت ضروری است که به کمک نقد آن‌چه مفید یا مضر و آن‌چه حق و یا ناحق است معلوم شود.

انسان دیروز نه تنها درباره‌ی نقد بلکه به طور کلی در مورد پیشرفت آن رغبت چندانی نشان نداده است و از متأخران گروهی مطلقاً نقد را مردود می‌دانند و این نظر که آثار هنری کامل و مستقل‌اند همان قدر افراطی به نظر می‌آید که نقطه مقابل آن؛ یعنی آثار هنری همیشه در محوطه‌ای تاریک، تکرار می‌شوند.

ضرورت بررسی موضوع نقد و واکاوی آثار ادبی از نظر عقل به روشنی آشکار است. زیرا جدا کردن سره از ناسره راهی جز سعادت و رستگاری اثر ادبی را همراه ندارد. حتی نوآوری‌های شخصی در هنر نیز در بستر نقد معنا و تحقق می‌یابند؛ زیرا نوگرایی فرد با توجه به وجود «معیار» و «میزانی» علمی شناخته می‌شود. این معیار است که ماندگاری شاملو یا لبخند «ژوکند» را ابدی می‌کند و حتی برخی به افراط پیش رفته و گفته‌اند که این، نقد است که آثار و اشیاء صرفاً هنری را تولید می‌کند و معتقدند که همه‌ی عوامل نقد دست در دست هم می‌دهند تا اثری هنری تولید و جاودانه شود. با توجه به وجود یک میزان سنجش نیک از بد، می‌توان آگاهی‌ها و روحی درونی یک جامعه را مورد بررسی قرار داد؛ زیرا منابع و متون نقدی نیز دستاویز مناسبی برای شناخت اندیشه‌ها و روحیه‌های هر جامعه یا اثر است. باید گفت که متون نقدی اگر دارای اصالت و کارایی بیش‌تری باشند، به حقیقت و واقعیت نزدیک‌ترند.

نقد ادبی نزد قدما با آنچه امروزه از آن دریافت می‌شود متفاوت است. در نزد قدما مراد از نقد معمولاً این بوده است که معایب اثری را بیان کنند و مثلاً در این که الفاظ آن چه وضعی دارد یا معنی آن چیست و به‌طور کلی از فراز و فرود لفظ و معنی، سخن گویند. این معنی از خود لغت نقد فهمیده می‌شود؛ زیرا نقد جدا کردن سره از ناسره است، اما در دوران جدید مراد از نقد ادبی نشان دادن معایب اثر نیست (هر چند ممکن است به این امر هم اشاراتی داشته باشد) زیرا نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و در این گونه آثار بیش از این که نقاط ضعف مهم بود، نقاط قوت مطرح است. بنابراین منتقد ادبی می‌کوشد با تجزیه و تحلیل آن اثر ادبی، اولاً ساختار و معنی آن را برای خوانندگان روشن کند و ثانیاً قوانینی را که باعث اعتلای آن اثر ادبی شده است توضیح دهد. از این رو نقد ادبی از یک سو به کارگرفتن قوانین ادبی برای توضیح اثر ادبی

است و از سوی دیگر کشف روش‌هایی است که در آن اثر مستتر است، به طور حتم منتقد تأثیر بسزایی در نحوه‌ی خلق یک اثر هنری و ادبی دارد، اما باید نقد به دور از غرض ورزی‌های شخصی و احساسی باشد. لحن سالم نقد، نتیجه سلامت نفس و نیت صدق منتقد است. غالب رجزخوانی‌های نقدهای ادبی ضعیف و پُرسر و صدا، ناشی از عجز منتقد در جمع دلایل و شواهد و استدلال قوی و شامل لحن دشمنانه یک نقد به جای سخنان منطقی و غلط‌گیری‌های درست و مستند است.

نقد «چهارجانبه» ابداع شفیعی کدکنی است که معیارها و موازین علمی و دقیق‌تری را با خود همراه دارد. شاید اندک ایرادی بر آن وارد شود، اما دقت و تیزبینی این نقد عیب جزیی آن را پوشش می‌دهد و به نظر می‌رسد با توجه به معیارهایی که مطرح می‌کند می‌تواند در حال حاضر دقیق‌ترین و سالم‌ترین نوع نقد در ادبیات فارسی باشد که برون داد آن، حرفی و نظری تقریباً بی‌نقص است.

از آن‌جا که کار یک معلم، نقد و بررسی همه‌ی فراگیران موجود در کلاس درس است تا روشی بهتر در تعالی آن‌ها فراهم آید و از آن جایی که شناخت راه‌های بازشناسی زیبایی‌های یک اثر از موارد ناسره‌ی آن، کمک شاخصی جهت بهتر دانستن یا خوانش بهتر یک اثر هنری یا ادبی دارد، از اوان ورود به عرصه‌ی ادبیات به نقد و ابزار آن علاقه‌ای هرچند جزیی نشان داده شد و این تمایل همراه با احساس شگرفی که از استاد شفیعی کدکنی در دل‌های دیگران و یقیناً، این‌جانب ایجاد شده، میل و ارادت بر آن قرار گرفت که به بحث و بررسی نقد چهارجانبه پرداخته شود.

از آن‌جا که این نقد با این روش - تا جایی که اطلاع حاصل شد - اولین کاری است که صورت می‌گیرد، نگارش آن را بخصوص زمانی که میزان نفوذ شاعر باید در جامعه بررسی می‌شد، سخت می‌نمود. به سبب نبود منبع و مآخذی که به طور خاص به این موضوع پرداخته باشد، انجام کار دشوارتر می‌شد و شاخص بودن موضوع نیز دشواری خاص خود را داشت، زیرا هرچه موضوعی شاخص‌تر باشد، به همان اندازه، بررسی آن با دشواری بیشتری همراه می‌شود.

خلاصه، با وجود همه‌ی مشکلات خاصی که در تالیف این اثر وجود داشت، بر خود

لازم می‌دانم که از استاد بزرگ و گرانقدر جناب دکتر یدالله جلالی پندری که با حوصله خاص، نکات متعددی را عالمانه مشخص و تصحیح فرمودند، تشکر و سپاسگزاری نمایم و دوست عزیز و فرزانه‌ام، جناب استاد حسین پولادیان، که نهایت لطف را در ویرایش نهایی کتاب ابراز نمودند و درود و سپاس ویژه‌ام خدمت متعالی جناب سید محمدرضا حسینی بزرگوار، مدیر مسؤول انتشارات شلاک، باد که بسیار باحوصله و مهربانانه، این اثر را به مرحله چاپ رسانیدند.

همچنین بدین وسیله تواضع و کرنش خود را نزد آن عزیزی عرضه می‌دارم که «می‌دانم و می‌داند».

... و توفیق از خداست

بشیر علوی

بوشهر - شهریور ۱۳۹۰